

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

عبدالستار دوشوکی
۲۹ سپتمبر ۲۰۱۷

آی ملت، به داد ما برسید!



حدود چهارصد هزار نفر در سواحل مکران از جاسک گرفته تا گواتر در مرز پاکستان با کمترین امکانات زندگی از جمله فقدان آب، برق، گاز، مسکن، مدرسه، بیمارستان و بیکاری و فقر گسترده روزگار سپری می کنند. حدود صد هزار کودک در بلوچستانی که بیش از نیمی از آنها در سواحل مکران هستند از مدرسه ابتدائی و آموزش محروم هستند. بنا به گفته نمایندگان مجلس بین ۴۰ تا ۵۰٪ از مردم استان سیستان و بلوچستان بیکار هستند. جمهوری اسلامی در طی بیش از ۳۸ سال گذشته از ارائه بدیهی ترین خدمات اولیه زندگی به مردمان آن سرزمین عاجز مانده است. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی قصد دارد بر اساس طرحی به نام " طرح توسعه سواحل مکران " و از طریق مهندسی تغییر بافت جمعیتی یا به عبارتی "آمایش جمعیتی"، بیش از پنج میلیون نفر را از بقیه مناطق کشور به سواحل مکران بفرستد تا در آن سرزمین محروم سکنی گزینند. این طرح که ابعاد مختلف نظامی - امنیتی دارد توسط نظامیان از جمله ارتش، نیروی دریائی و سپاه با اولویت فوق العاده ای دنبال می شود. سؤال اساسی این است که گسیل اجباری بیش از پنج میلیون بیکار از مناطق دیگر کشور و تصرف اراضی و شهرک سازی اجباری چه توجیه عقلانی یا ملی می تواند داشته باشد؟

تا کنون کنفرانس ها و جلسات بیشماری برای پیشبرد این طرح برگزار شده است. دهها نهاد حکومتی، شرکت های خصوصی، وزارتخانه ها و ارکانهای نظامی و امنیتی متولی این طرح هستند. اگرچه ریاست طرح بر عهده معاون وزیر دفاع و تولید آن با نیروی دریائی است. نه تنها در بین اعضای بیشمار ستاد توسعه سواحل مکران، بلکه حتی در بین بیش از صد شرکت و نهادهای متعدد حکومتی حتی یک نهاد مردمی و بومی سهامدار یا به نوعی دخیل در این طرح نیست. از مجمع نمایندگان استان سیستان و بلوچستان گرفته تا شوراهای شهر و شهرستانهای سواحل مکران، از شهرداری های محلی گرفته تا معتمدین محلی و نهادهای مردمی شهرها و روستاهای سواحل مکران. همه اینها به عنوان " غیرخودی " و " نامحرم " از مشارکت یا حتی مشاورت در این طرح به صورت کامل حذف شده اند. فقط از

حضور برخی از علمای مذهبی در بعضی از مراسم "کلنگ زنی" بهره برداری تبلیغاتی می شود. حتی به گفته رئیس هیأت مدیره شرکت توسعه پتروشیمی نگین مکران، از بین دهها شرکت، سهم کل استان صفر است.

این طرح هشت هدف مشخص را دنبال می کند که عبارتند از:

- ۱ - گسیل ۵ میلیون نفر به سواحل مکران و تغییر کامل بافت جمعیتی
- ۲ - تصاحب یا تصرف زمین های مکران توسط ارکانهای مختلف نظام
- ۳ - نظامی و امنیتی کردن سواحل مکران توسط سپاه و نیروی دریایی
- ۴ - سنی زُدائی و فقرزائی و به حاشیه راندن بلوچها و محو آنها
- ۵ - ایجاد استان مکران یا استان ساحلی با اکثریت غیربلوچ و شیعه
- ۶ - پایه گذاری یک "تمدن جدید علوی" توسط مهاجران غیربومی
- ۷ - تقسیم استان فعلی سیستان و بلوچستان به استانهای کوچکتر
- ۸ - حذف نام بلوچستان و رفع خطر تجزیه بلوچستان در دراز مدت

اگر به اسناد و مدارک موجود بنگریم (در ویدئویی که لینک آن در زیر این مقاله آمده است به این مستندات رجوع شده است) می بینیم که اصولاً این یک طرح نظامی با ملاحظات شدیداً امنیتی است که توسط نظامیان به خصوص سپاه، ولی در ظاهر توسط نیروی دریایی مدیریت می شود و به عنوان طرح آمایش جمعیتی در آئینه اقتدار نیروی دریایی نظام جمهوری اسلامی معرفی می شود که در آن مردم بلوچ هیچ گونه جایگاه و یا نقشی ندارند. جالب اینجاست که بر اساس آمار پیش بینی شده در این طرح سهم نیروهای امنیتی و نظامی در اشتغال این مهاجران بیشتر از سهم حوزه های اقتصادی در زمینه انرژی، کشاورزی، صنعت و معدن و بازرگانی و زیرساخت ها است. از تسهیلات آموزشی و درمانی و اجتماعی خبری نیست. که این خود بیانگر ماهیت اصلی و نظامی - محور این "آمایش جمعیتی" می باشد.

در یکی از پژوهشنامه های مستند این طرح تحت عنوان "چرا به توسعه سواحل مکران و بندر چابهار اینقدر اهمیت داده می شود؟" آمده است: "موضوع اصلی که در رسانه های عمومی به دلیل ملاحظات امنیتی مطرح نمی شود، ترس مسئولین کشور برای از دست دادن دسترسی ایران به سواحل اقیانوسی دریای عمان و از دست دادن تنها بندر اقیانوسی کشور در آینده نچندان دور است. ناامنیهای مکرر مناطق شرقی و ترورها و اقدامات تروریستی متعدد و بمبگذاریهای انتحاری و گروگانگیری سربازان و ... در کنار رشد غیرطبیعی جمعیت اهل تسنن نسبت به جمعیت شیعه در این مناطق به یکباره مسئولین کشور را متوجه این قضیه کرد که اگر دیر بجنبند، مناطق شرق و جنوب شرق آنقدر ناامن خواهند شد که امکان بروز شورشهای مذهبی و به مرور، استقلال -خواهی این مناطق و جدائی آنها از ایران مطرح خواهد شد". این پژوهشنامه مدعی می شود "امروزه سیستان و بلوچستان دارای بیشترین رشد جمعیت اهل تسنن است که علی رغم فقر و محرومیت، با حمایت های مالی و تبلیغات مذهبی خارجی) احتمالاً عربستان و امارات (ادامه داشته است، و این کودتای جمعیتی، امنیت کل ایران را تهدید می کند، زیرا امروزه در ازای تولد هر ۳ نوزاد شیعه، ۱۶ نوزاد سنی در کشور متولد می شود. مصاحبه های متعدد دریادار سیاری) فرمانده نیروی دریایی ارتش (و اظهار نظر کمتر فرماندهان سپاه برای توسعه سواحل مکران در همین راستا قابل تفسیر است".

عملکرد بدبینانه مسئولین این طرح نسبت به مردم بومی بلوچ و نگاه "غیر خودی" آنها به اهل سنت و فرآیند پروژه های در حال اجراء برای عملی نمودن "طرح آمایش جمعیتی" کاملاً با دکتترین مطرح شده در پژوهش نامه فوق سازگاری ستراتژیک و انطباق درونی و عینی دارد. متأسفانه در فضای امنیتی بسیار شدید در استان سیستان و بلوچستان امکان مخالفت علنی با طرح آمایش جمعیتی وجود ندارد. نهادهای امنیتی و دولتی تلاش می کنند تا تعدادی از

علمای مذهبی، معتمدین محلی و برخی از روشنفکران بلوچ را در گروه هائی تحت عنوان کنشگران سیاسی و اجتماعی بلوچ گرد هم آورده تا بر طبل تبلیغات توسعه سواحل مکران بکوبند. شوربختانه اجازه طرح سوالات بدیهی نظیر این که "چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است" در استان به کسی داده نمی شود. زیرا ساکنان فعلی سواحل مکران بیش از هر کس دیگری مستحق توسعه و امکانات هستند. صدها هزار ساکن فعلی بلوچستان بیکار هستند، و بسیاری از آنها برای امرار معاش ناچار هستند زن و فرزندان خود را رها کرده و به عنوان کارگر فصلی دوره گرد به دیگر شهرهای کشور بروند، که در آنجاها نیز مورد تبعیض و تحقیر قرار می گیرند. جمهوری اسلامی از ایجاد شغل و فراهم نمودن امکانات اولیه نظیر آب، برق، گاز، مدرسه و بیمارستان برای چهارصد هزار بومی سواحل مکران عاجز مانده است.

اگر برآستی این نظام هنر و توانائی کارآفرینی دارد چرا نتوانسته در طی ۳۸ سال گذشته برای همین چندصد هزار نفر مردم بومی اشتغال و امکانات فراهم آورد؟ با چه منطق و عقلانیتی می توان پذیرفت که این طرح می تواند برای بیش از پنج میلیون جمعیت کار ایجاد کند؟ نظام تلاش می کند تا فقر و فقراء را از حاشیه شهرهای بزرگی مثل تهران و مشهد و اصفهان به حاشیه های ساحلی و دور دست کشور منتقل کند تا از مناظر دور بمانند و فقر در حاشیه کشور به دلایل اقلیمی و زیست محیطی و جغرافیائی و غیره توجیه شود. در گزارش ویدئویی که لینک آن در زیر آمده است با استناد به مدارک و شواهد و اسناد خود جمهوری اسلامی ثابت می شود که هدف طرح نظامی - امنیتی به اصطلاح توسعه سواحل مکران، توسعه نیست بلکه تغییر کامل بافت جمعیتی و به حاشیه راندن و فقیرتر نمودن مردم بومی آن منطقه و انتقال حاشیه نشینی و فقر از شهرهای بزرگ مرکزی به "حاشیه کشور" است و الاغیر! به همین دلیل تا دیر نشده، ملت باید به داد مردم حاشیه نشین و فقیر سواحل مکران برسند.

لینک به ویدئوی اسناد و منابع و مراجع

https://www.youtube.com/watch?v=KH_a2sz28Zo&feature=youtu.be:

عبدالستار دوشوکی

۳۰ شهریور [سنبله] ۱۳۹۶

مرکز مطالعات بلوچستان - لندن